

سير تحقّق قانون و قانونيت طى سدهٔ اخير

مؤلف:

عبدالوہاب غفار

سال ۲۰۲۱

بخش دوازدهم

سیرتحقق قانون در دوره حکومت وحدت ملی

(ریاست جمهوری دکتور محمد اشرف غنی و صدارت دکتور عبدالله عبدالله)

سنبله ۱۳۹۳ هجری شمسی (سپتامبر ۲۰۱۴ م) الی سنبله ۱۴۰۰ هجری شمسی (سپتامبر ۲۰۲۱ م)

قسمت دوم

عمل کرده ها و کادرها و نتایج آن :

نگاهی مختصر به عملکردهای رئیس جمهور و رئیس اجرائیه :

جناب اشرف غنی جهت جلب واغوا هموطنان عزیزما بعد از ختم انتخابات مملوازتقلب با بیش از هفتاد نفر همراگان دوران کارزار انتخاباتی (به اعتقاد اینکه طی آن مدت به اثر پایمال نمودن حقوق اتباع کشور، تقلب و جعلکاری مرتکب گناهان زیاد شدند با حج رفتن گناهان شان بخشیده خواهد شد ! ؟)، در حالیکه مرتکب گناه کییره دیگر، یعنی مصارف اضافی پول بیت المال در شرایط یکه اکثر مردم در فقر زنده گی مینمایند، گردید. اشرف غنی با داشتن تحصیلات به اصطلاح عالی خود را از جمله متفکرین جهان میشمرد. سالها در خدمت استخبارات کشورهای بیگانه قرارداداشت. موصوف یک شخص احساساتی و خود مختار بود.

اشرف غنی طبق پلان طرح شده استخباراتی کشورهای ذیدخل در افغانستان و تحقق پروژه (کرزی بقدرت رسانیدن طالبان) در (دسامبر ۲۰۰۱ میلادی) به افغانستان بازگشت و در پستهای مشاور ارشد حامد کرزی، وزیر مالیه افغانستان، رئیس اداره هماهنگ کننده کمک های بین المللی به افغانستان و وظایف انجام داد.

اشرف غنی در سال (۲۰۱۱ میلادی) در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده و با کسب (۳٪) آرا بعد از حامد کرزی، دوکتور عبدالله عبدالله و رمضان بشردوست، در درجه چهارم قرار گرفت.

اشرف غنی در در دوم ریاست جمهوری حامد کرزی، مسئول برنامه انتقال مسئولیت امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای داخلی شد.

اشرف غنی راجناب کرزی قبل از ختم دوره ریاست جمهوری اش جهت ادامه و تحقق پروژه شومش طبق هدایت با دارانش (استخبارات کشورهای مربوطه) طرح ریزی شده بود، گماشت.

عملکردهای اشرف غنی اکثراً نتایج موثر در جهت منافع کشور و مردم نداشت طور مثال:

. امضای توافقنامه امنیتی با امریکا، نتایج مثبت آن در این مرحله بحرانی بملاحظه نمیرسد.
. بررسی بی نتیجه قضیه کابل بانک، که فاعلین اصلی آن مورد تعقیب عدلی قرار نگرفتند.
. سفرهای متعدد تحت نام صلح با مصارف گزاف به کشورهای مختلف از جمله پاکستان و...و

. تماسها بخاطر ایجاد صلح با طالبان، مگر شواهد نشان میدهد که در جهت تقویه طالبان بود.

. تعهدات شفاهی به ارتباط بهتر شدن وضع اطفال، جوانان، زنان، معلمان، قوای امنیتی و...
. دایر نمودن جلسات غیر مفید و متنوع جهت پایه گذاری سیستم جدید حکومت وحدت ملی.
. صدور هدایات بی نتیجه جهت بررسی جنایات و کشتار هموطنان ما در مرکز ولایات، دلیل عمده بی نتیجه بودن آن هدایات.

. نبود ارگان فعال نظارت و تطبیق کننده قانون (اداره فعال لوی خارنوال و اداره قضا پاک، مسلکی وقاطع) تا قضایا را با قاطیعت و در زمان معین بررسی قانونی نمایند چون اراده تطبیق و حاکمیت قانون کمتر به نظر میخورد.

یکی از تحلیلگران بین المللی به این باور بود که: آقای غنی و آقای عبدالله با این مرغابی لنگ کابینه و نهاد های ضعیف، ظرفیت جاری حکومت برای پیاده ساختن اصلاحات بزرگ باموانع روبه رو میباشد. همچنان پیروان هر دو جناح که در انتخابات از آنها حمایت کرده اند، پاداشها و توقعات انتظار داشتند که دست یافتن به چنین پاداشها طبق توافقنامه دشوار می باشد. اساساً با تقسیم حکومت به دو جناح هیچ کدام نه توانستند وعده های شان را عملی کنند. موصوف می افزاید که طغیان رویداد های امنیتی اخیر بیانگر عدم توجه به وزارت های امنیتی در دفاع از امنیت مردم و ویرانی کشور میباشد.

با نظر داشت توضیحات فوق بدین نتیجه میرسیم که نه تنها توافقنامه حکومت وحدت ملی با قانون اساسی کشور مطابقت نداشت، بلکه بشکل سازماندهی شده در جهت اغفال جانب مقابل به امضا رسیده بود.

با آنهم اگر در تحقق این توافقنامه اقدام عملی با روحیه ملی (بدون تفوق یک ملیت یا لسان بردیگر) به موقع، بدون ضیاء وقت و فرصت ندادن به طالبان و سایر گروه های تروریستی و ضد ملی صورت میگیرفت، امکان بهتر شدن وضع مردم و کشور بود.

در حالیکه عملکردهای حکومت وحدت ملی تحت نام صلح، نمایی از تحقق (پروژه کرزی) با بقدرت رسانیدن طالبان و سایر دشمنان داخلی و خارجی مردم افغانستان بود.

هموطنان عزیز و گرامی هدف از تحریر و توضیح مطالب فوق و بخصوص پروژه خطرناک (کرزی-غنی)، صدور اختلاف در بین اقوام و ملیتهای افغان، توهین دولت مردان و یا تبلیغات منفی علیه آوردن صلح و آرامی در افغانستان، یا اشخاص، تنظیم یا گروهی که در داخل و یا خارج کشور فعالیتهاى ضد دولتی دارند، نمیباشد. بلکه نتیجه برداشتهای عینی از عملکرد دولت مردان طی اضافه از ده سال اخیر، بخصوص بعد از ایجاد حکومت به اصطلاح وحدت ملی میباشد که وطن و مردم ما در آتش و خون قرار گرفته و روز بروز بیشتر گردید.

گرچه خوشبختانه اکثر مناسبات بین اقوام و ملیتهای افغان پیوندها خونی و دوستانه میباشد، اما طی سالهای بقدرت رسیدن جنابان دوکتوران محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله و عملکردهای شان ثابت میسازد که در جهت منافع مردم و کشور کمتر کار صورت گرفته. اکثر در ظاهر خیلی احساساتی و دلسوزانه وعده داده میشود ولی عملاً آن وعده ها عملی نگردید و یا اگر اقدام صورت گرفت خلاف منافع مردم عمل میشود و از عملکردهای شان اهداف شوم بملاحظه میرسید که ناشی از عقده های قوم پرستی و عقیده تی عقب پرده (داخلی) و مداخلات خارجی جهت تباهی ملت افغان و کشور افغانستان بود.

عملکرد های اشرف غنی این متفکر جهان نشان داد که دارای اخلاق و کرکتر خوب نبوده، یاوه گوی و دهها خصایل زشت به اصطلاح (کوچه و بازاری) داشت، اخلاق یک رهبر چنین نمیباشد. (نمونه از احساساتی بودن اشرف غنی: در سمینار علمی که تحت عنوان کار آفرینی در لیسه استقلال کابل برگزار شده بود، حین بحث بر نقل قول «روری استوارت» که افغانستان تا هنوز در قرن سیزده است. آقای اشرف غنی در جلسه علمی چنین واکنش نشان داد و گفت: «بچه خر! افغانستان هیچ وقت در قرن سیزده نبود»

آیا اخلاق دوکتور و رهبر یک کشور اجازه میدهد که در یک محفل علمی چنین دشنام بدهد و... بر علاوه احساساتی بودن اشرف غنی نسبت عدم فهم و دانش و درک لازم از کلتور جامعه و عنعنه مردم افغانستان اکثر در محافل و مجالس به اصطلاح (دروغهای شاخدار) میگفت و لاف میزد طور نمونه یک تعداد لافها و دروغها که در صفحات مختلف نشر گردیده:

۱ - «امام حسین نواسه خداست».

۲ -

گفت یک میلیون کار ایجاد میکنم. اما برعکس

۳ - در

سفر بادغیس گفت تا یک سال آینده در تمام ولسوالیها یک یک مکتب مسلکی و تخنیکی میسازم. یک لاف باقی ماند.

۴ - درشش

ماه برای تمام معلمین یک نمره زمین توزیع میکنم. فقط فریبی بود برای معلمین. ۵ - گفت

دردوسال آینده به تمام ولسوالی‌ها برق می‌رسانم. به جای برق به اکثر ولسوالی‌ها طالب را رسید.

۶- گفت

در پنج سال آینده به پاکستان برق صادر می‌کنم. حتی کابل را نتوانست برق مکمل بدهد. ۷ -

۸- گفت قتل و خون را از وطن گم می‌کنم. برخلاف چندین برابر افزایش داد.

۹- گفت ۶۰۰۰ مکتب در دوسال اعمار می‌کنم. مانند سایر دروغ‌ها.

گفت تا چهار سال قندوز را به بندر بین المللی تبدیل می‌کنم. اما برعکس.

۱۰- گفت به سفره‌های تان نان می‌آورم. سفره‌های مردم خالی ترشد و جاده‌ها پراز گدازد.

۱۱- گفت موانع را از سرک‌ها برمی‌دارم. اما برعکس.

۱۲- گفت برای رئیس جمهور و معاونین اش اجازه نمیدهم تا سرکها را بند کنند. اما چند برابر راه

بندان گردید. اما برعکس اکثر سرک باغ بالا برای اینکه رولا غنی برنامه داشت، بند بود.

۱۳- گفت وزارت جوانان ایجاد می‌کنم. اما برعکس..

۱۴- گفت فساد را از نهادهای دولتی ریشه کن می‌کنم. برخلاف فساد را بیشتر ساخت و فساد در

ارگ متمرکز گردید. ۱۵- گفت

کابل را از حالت منفجر شدن نجات میدهم. هیچ نظمی نتوانست به کابل بیاورد و کابل

آلوده ترین، نا امن ترین، بی برق ترین و نامنظم ترین پایتخت در جهان شد. ۱۶-

گفت مناطق مرکزی را از زندان جغرافیایی بیرون می‌سازم. حتی لازم ندید یک لین برق از

مناطق مرکزی عبور کند. ۱۷- گفت

طی یکسال آینده از هجوم کوچی‌ها در مناطق مرکزی بصورت قطع جلوگیری می‌کنم. اما

برخلاف. ۱۸- گفت هیچ

افغان از افغان دیگر کمترین است. اما قوم پرستی را توسعه داد. ۱۹- گفت یک

دیپارتمنت جداگانه مختص به مذهب اهل تشیع در دانشکده شرعیات دانشگاه کابل ایجاد

می‌کنم. برخلاف با شیعه دشمنی کرد و تمام حرکات مدنی شان با انتحار و انفجار پاسخ داده

شد و متخلفین مجازات نگردید. ۲۰- گفت

در صورت پیروزی تیم تحول و تداوم یک پوهنتون به زبان ترکمنی ایجاد می‌کنم. برخلاف به

این قوم اعتمادی نکرد. ۲۱- گفت اگر فردا

قاچاق مرمز به ایران را بند نکردم بچه خر باشم. نه تنها بندش نکرد، دوستانش را در بندر

کمالخان گماشت و قاچاق دوچندان شد. ۲۲- گفت حاکمیت

قانون از من شروع خواهد شد. اگر من کوچکترین کاری خلاف قانون کنم، ستره محکمه

امر کند که این فرمانت غیر قانونی است. برخلاف با فشار و تهدید استقلالیت محاکم را صلب

نمود و مجبورشان کرد که تصامیم غیر قانونی اش را تایید کنند. ۲۳- گفت

۱۵۰۰۰ بلاک برای معلمین می‌سازم. یک بلاک هم نساخت. ۲۴- گفت

- آن طرف خط دیورند را برق میدهم. درحالیکه اکثرشهرها وولایات افغانستان برق نداشت.
- ۲۵- گفت معاشات معلمین را بلند میبرم. کوچکترین توجهی به معلمین صورت نگرفت.
- ۲۶ - به احمدضیا مسعود درانتخابات تعهد کرد که قهرمان ملی و خانواده اش را حرمت میکند. اما باکناررفتن احمدضیا مسعود ازتیمش شکل دیگرعمل میکرد.
- ۲۷ - گفت دیگر فرهنگ معافیت تمام شد. خودش همکارزدان شد وآنان را مدال داد.
- ۲۸ - گفت عدالت عمری میکنم. برعکس درتقویه فساد وچورروچپاول سعی بیشترنمود.
- ۲۹ - گفت تا یک سال معاش دولت را ازجیب خودم میدهم. برعکس خود ازمعاشات و قراردادهای دولت ملیونها دالررابدست آورد بخصوص ازطریق رولا غنی (بی بی گل) خانمش وخرسیره اش تبعه لبنان مالک شرکت تجارتي لبنانی است باعقد دهها قراردادها با موسسات دولتی ملیونها دالر بدست آورد .
- ۳۰ - میگفت رییس جمهورمنتخب مردم هستم وبه رای مردم انتخاب شده ام.درحالی که در انتخابات اکثریت رای نیاورد. به وساطت جان کیری رییس جمهور شد .
- ۳۱- گفت تا سه سال دیگرپوهنتونهای افغانستان با دانشگاه های غرب رقابت خواهند کرد. برعکس درید ترین وضعیت قرارگرفت .
- ۳۲ - گفت دردین تخصص دارم اما هرچه درباره دین میگفت، غلط بود.
- ۳۳ - گفت چهل سال درخدمت دین رسولالله بوده ام. در حقیقت برعکس آن .
- ۳۴ - گفت تا شش ماه امنیت به کشورمیاورم. درعمل به اشکال مختلف افغانستان را به دشمنان افغانستان تسلیم داد وهزاران هموطنما شهید شدند.
- ۳۵ - گفت سرک حلقوی اعمارمیکنم. اما بانظرداشت کمکهای بین المللی کارموثرانجام نداد.
- ۳۶ - گفت در کندز به سطح جامعه الازهر مدرسه میسازم. کوچکترین اقدامی نکرد. -۳۷
- گفت به تمام مساجد انترنت وصل میکنم. اما اما اما شکل طنزرا داشت. - ۳۸
- گفت اگررییس جمهورشوم پنج سال بعد به ملیونها میگاوات برق را به خارج صادر میکنم.اما برعکس .
- ۳۹ - گفت درشش ماه آینده افغانستان را به ترکیه دوم تبدیل میکنم. دروغ شاخدار .
- ۴۰ - گفت معادن را از دست زورمندان میگیرم. برعکس را به طالبان تحویل داد. - ۴۱ - گفت در کابل میترویس میسازم. حتی ملی بس قبلی را هم فعال نه نمود. - ۴۲ - گفت که مسئله کابل بانک را دریک ماه حل وفصل میکنم.برعکس عاملین قضیه کابل بانک که فیروزی وبرادرکرزی بود شکل دیگر برخورد نمود، برادرکرزی باغصب ملیونها دالرآزاد میباشد.
- ۴۳ - بعد از سقوط کندزدر تالار کمپ پامیر گفت به نظامیان شهرک های رهایشی میسازیم تاخانواده های شما نزدیک تان باشند.تا ختم حکومتش یک سنگ تهداب شهرک مانده نشده . - ۴۴ - گفت فاصله میان ارگ ومسجد را از بین میبرم. نه تنها این کارنشد بلکه ارگ

محل گسترش فحشا شد.

- ۴۵ - گفت افغانستان را به اروپا وصل میکنم. اما برعکس. ۴۶ -
- گفت افغانستان را شاهراه تجارت جهان می‌سازم. اما برعکس شد. ۴۷ - به مردم غور گفت بعد از شش ماه پارچه امتحانم را نمره دهید. اما غور را به طالبان تسلیم کرد. یعنی نمره اش صفر. ۴۸ - گفت از پول شخصی ام منار برای علامه فیض محمد کاتب می‌سازم. اما پولها را با خود برد. ۴۹ - گفت واحد های اداری را تعدیل میکنم ولسوالی های مشخصی را گفت که ولایت می‌سازم. اما برعکس. ۵۰ - گفت یک لیتر آب را با یک لیتر تیل معامله خواهم کرد. آب همچنان بدون هیچ قیمتی به کشورهای همسایه میرود و گرانی تیل دود از دماغ مردم کشیده است. ۵۱ - گفت دردشت قلعه پی تخار بند برق می‌سازم تا تمام شمال از آن بهره مند شود. اما دروغ. ۵۲ - در زمان افتتاح پروژه تاپی گفت تا یک سال دیگر گازپروژه تاپی هرات خواهد آمد. ۵۳ - گفت پاکستان را در سطح بین المللی منزوی میکنم در حالیکه افغانستان در سطح بین الملل منزوی ترین کشور جهان شد. ۵۴ - گفت دستم بخون مردم الوده نیست. درحالی که باتصامیم غلط و عقده مندانه باعث شهادت هزاران تن نیروی امنیتی و هموطنان ما شد. ۵۵ - حین کمپاین انتخاباتی دردشت آبدان میرعلم گفت که شرکت سپین زررا فعال میکنم. اما.. ۵۶ - گفت که بعد از دو سال لویه جرگه را دایر می‌کنم. اما... ۵۷ - گفت بدخشان را به چین وصل می‌سازم. اما... ۵۸ - گفت هرشش ماه به ملت امتحان می‌دهم و پارچه امتحانم اگر سفید بود مردم نمره دهند. ۵۹ - گفت مشکل مسکن را در افغانستان حل میکنم. اما... ۶۰ - گفت درجه بندی ولایات را از بین میبرم. اما... ۶۱ - گفت تفرقه نمی‌افکنم و اما فارسی را از دزدی جدا خواند، جنجال پوهنتون و دانشگاه راه برافروخت و تذکره الکترونیک را بر خلاف قانون قومی کرد و به جنجال کشید. ۶۲ - گفت سرک گردن دیوار را به هرات وصل میکنم. اما... ۶۳ - گفت دیگر افغانستان مهاجر نخواهد داد، بلکه مهاجر پذیر خواهد شد. اما هزاران شهروند کشورش را ترک نمودند. ۶۴ - گفت خانه های دشت برچی را قباله شرعی میدهم. اما... ۶۵ - گفت کابل را به شهر توریستی منطقه تبدیل میکنم. اما برخلاف کابل به شهر توریستی منطقه تبدیل نمود. اشرف غنی بر علاوه اخلاق فوق الذکر با وزرا و سایر کارمندان دولتی رویه خیلی زشت داشت. در جریان جلسه وزرا: "دریک مورد بالای یک وزیر عصبانی شده بود که چرابرنامه وزارتش را

نیاووردی؟ وزیرگفت یک هفته قبل طرح را به دفتر ریاست جمهوری ارسال نمودم آقای غنی گفت: (تو گو خوردی) باید با خود میآوردی"

عضو دیگر کابینه گفت یکروز بالای یک ژنرال عصبانی شده به او گفته بود: اگر آدم تنبانت (شلوارت) را میکشم. آن جنرال بیکارشده.

"یکی از وزرا را در جلسه ویدیویی فحش داد وزیر هم استعفا داد." یکی از خبرنگاران که با یازده عضو کابینه حکومت وحدت ملی صحبت کرده بود، گفت که از تجربه کارشان با آقای غنی پرسیدم که اعضای کابینه با چه نوع شخصیتی روبه روهستند؟ شماری از آنها خواستند که نامشان در گزارش ذکر نشود. از برخی مقامها از جمله سخنگویان ریاست جمهوری پرسیدم، اما پاسخی دریافت نکردم. یک وزیر که از سهمیه آقای دوکتور عبدالله عضو کابینه بود، گفت: "آقای غنی از طرحها و برنامهها حمایت نمیکرد. بار بار رد میکرد مواردی بود که یک طرح مهم، دو سال منتظر امضای آقای غنی میماند چرا که نمیخواست فلان نفر آن کار را انجام دهد و دستاوردی برایش محسوب شود. چون نمیخواست تا طرحها عملی شود وتعلل میورزید. چون هدف خاص در جهت تحقق اهدافش داشت. ولی طرحی که مورد نظرش بود، حتی اگر مملو از ایراد هم میبود، می پذیرفت و میگفت خیر است مشکلات است و

...

"یکی دیگر از وزرا گفت: "اگر از طرحی خوشش نمی آمد، وزیر را باد باد میکرد و به شدت انتقاد میکرد. روزی یکی از وزرا طرحی را ارائه کرد که طولانی بود. آقای غنی از زیاد خواندن خوشش نمی آمد. از وزیر بسیار انتقاد کرد. برخوردش طوری بود که احتمالاً وزیر از ارائه طرحش پشیمان شده بود."

تقریباً متواتر روزها توسط اشرف غنی یکی از دلایل اختلاف پارلمان با رئیس جمهوری بود. طور مثال با برطرفی مسعود اندرابی وزیر داخله، وزیرای سرپرست به هفت وزیر رسید. مجلس نمایندگان بارها انتقاد میکرد تا وزیر جدید به پارلمان معرفی نماید اما ریس جمهور کمتر در زمینه توجع میکرد.

"اشرف غنی میخواست تمام مردم به او احترام کنند و دکتاتورانه برخورد میکرد" از یکتعداد اعضای کابینه اشرف غنی سوال شد که تا چه اندازه انتقاد از دیدگاهها ونظریات رئیس جمهوری در نشستهای کابینه ممکن بود؟

عبدالرزاق وحیدی در حکومت وحدت ملی وزیرمخابرات بود. به اتهام حیف ومیل میلیونها افغانی بعد از سه جلسه حضور در دادگاه ویژه وزیران بیگناه شناخته شد و برائت گرفت. میگوید: "بعضی از وزرا به پیشانی آقای غنی نگاه میکردند و بر اساس وضعیت پیشانی او صحبت می کردند. واکنش خلاف نظر آقای غنی باتندی مواجه میشد. گاهی در هنگام ابراز نظر از سوی رئیس جمهوری با تندی متوقف میشد و میگفت که دیگر بس است.

یکی از وزرا گفت: "آقای غنی مطلق نگر است. حتی وقتی مسئله‌ای خلاف نظرش مطرح میشد که قانون اینگونه میگوید، با خشم میگفت: من کی هستم؟ هر گپی که من میگویم همان قانون است." "مشکل از وزرا است" بعضی برخوردها احساساتی و آبی، طور مثال با وارد شدن اتهام فساد در سطوح پائین دولت (سطح ولسوالیها) بدون بررسی قضیه، شخص مورد اتهام را برطرف نموده و شخص دیگر را در آن پست مدتی مقرر نمیکرد، کار و وظایف در آن بخشها صورت نمیگرفت و مشکلات مردم بیشتر میشد. اما ده ها کادر سطوح بالائی دولت متهم به فساد بودند. سوابق ماموریت و زراندوزی آنان ثبوت خوب برای بررسی جنایات شان در مقامات دولتی میباشد آنان به فساد و چور و چپاول را ادامه دادند.

طبق فرموده آقای مرتضوی: « در پنج سال (۱۱۰) وزیر تغییر و تبدیل شدند. عدم ثبات در ادارات دولتی یک مشکل اساسی بود. وزرایی بود که چهل روز وزیر (سرپرست وزارت) بودند. برخی سه ماه و شماری هم کمتر از این مدت. « مطالب فوق ثابت کننده این ادعا است که در اصل اشرف غنی به نفع دشمنان وطن و مردم افغانستان جهت تضعیف نظام، چور و چپاول، زراندوزی و تقویه دشمنان کشور طریقی اهداف اصلی (تقویه پروژه کرزی. غنی) کار میکرد. مطلب عمده دیگر تقرر یکتعداد کادرهای دولتی که سالها از کشور دور بودند با کلتور و عنعنه جامعه افغانی بلدیت لازم نداشتند. افکار، نظریات و عملکردهای شان عامل بدبختی بیشتر مردم و ویرانی کشور عزیز ما گردید. هدف عمده بر علاوه تحقق اهداف، سواستفاده و چور و چپاول بود که جز کلتور و اخلاق یکتعداد کارمندان دولت شده بود چنانچه اکثر آنان به ملیونها تبدیل شدند. این اشخاص بصورت عموم دوستان و رفقای شخص غنی و یا خانمش رولا غنی (بی بی گل) که نقش عمده در امورات دولتی داشت، بودند.

مانند رنگینه حمیدی، زهره یوسف، داود سلطان زوی که شاروال کابل مقرر شد، حمدالله محب مشاور امنیت ملی، فضل محمود فضلی و بهمین شکل دهها شخص دیگر از خارج کشور آورده شدند.

طور مثال رنگینه حمیدی در ایامی کودکی همراه فامیلش به کشور پاکستان و سپس به ایالات متحده امریکا مهاجرت کردند. تعلیمات دوره مکتب رادرایالات متحده امریکا به پایان رساند و در پوهنتون ویرجینیای تحصیلاتش را ختم نمود. به لسان دری و پشتو و سایر لسانها کشور بلدیت لازم نداشت. چون رنگینه حمیدی خواهر خواننده (بی بی گل) بود، با آنکه به لسانهای افغانی بلدیت نداشت، و از طرف پارلمان انتخابش رد شد اما سرپرست وزارت معارف افغانستان که تهداب فراه گیری سواد، علم و دانش میباشد، کار کرد. رنگینه که به لسانهای افغانی بشکل نامفهوم و پراکنده صحبت میکرد، چیطور میتوانست امور روزمره، پیشنهادات و ضروریات مکاتب مرکز و ولایات کشور را که خوانده نمیتوانست، درک کند و هدایت دهد؟ تقرر خانم حمیدی بعوض آقای میرویس بلخی با داشتن دکتورای آموزش و پرورش و سابقه درخشانی در وزارت معارف داشت، دلیل خوب و ثابت کننده چور و چپاول و تباهی کشور میباشد.

بهمین شکل جناب داود سلطان زوی شوهرزهره یوسف مشاور (رولا غنی) که شاروال کابل مقرر شد برعلاوه چوروچپاول تحت نام اعماروآبادی (سینمای پارک واقع شهرنو کابل) با داشتن قدامت فرهنگی بدون در نظر داشت فرهنگ و هنر در افغانستان بقول (نلسون ماندلا فرهنگ شریان‌های تنفسی یک شهروسرزمین میباشد.) ویران نمود. در حالیکه طبق برنامه یونسکو و کنوانسیون فرهنگی آن میتوانست به عوض تخریب بکمک یونسکو سینمایی که قدامت بیشتر از پنجاه سال راداشت و حافظه تاریخی و فرهنگی کشور محسوب میشد ترمیم نماید.

طبق اخبار سایت شبکه اطلاع رسانی افغانستان نشر شده است (یک تحقیق تازه نشان داد که (۱۱۰) تن بحیث مشاورین ریاست جمهوری ایفای وظیفه میکرد که بسیاری آنها طی یکسال محدود با رئیس جمهور ملاقات نکرده. در این گزارش تحقیقی که از طرف تلویزیون خصوصی یک در کابل منتشر گردید، آمده است که از جمله مشاوران یاد شده، تنها (۶۰) وزیر مشاور بودند که ماهانه پنج هزار دلار امریکایی معاش داشتند و مجموع معاش و مصارف مشاوران رییس جمهور سالانه به بیش از چهار میلیون دالر می رسد. در گزارش آمده که برعلاوه ۶۰ وزیر مشاور، پنج مشاور دیگر در بورد عدلی و قضایی ریاست جمهور کار میکردند. همچنان پنج تن در بورد عالی تعینات ریاست جمهوری جهت تعیین مقام های عالیرتبه به رئیس جمهور مشوره می دادند. همچنان طبق معلومات (۳۵) تن به عنوان مشاور و کارشناس در چارچوب اداره امور ریاست جمهوری فعالیت میکردند. پنج مشاور دیگر در چوکات شورای امنیت ملی در ارگ کار میکردند. طبق اسناد نشر شده آقای حمدالله محب، در کنار اینکه برای همسر خود، حقوق ماهانه گزاف دالری ترتیب نموده بود از طریق پروژه های دولتی درآمد خیلی زیاد داشت. باتذکر اینکه عواید کشور خیلی محدود بود، کشورها مختلف جهت بهبود زنده گی مردم و اعمار کشور کمک میکردند اما پولهای متذکره در تادیه معاش دوستان دولتمردان تادیه میشد. چنانچه طبق گزارش وزارت خارجه آمریکا- آمریکا برای توسعه و سایر بخش های دولتی جهت و اعمار پروژه های بازسازی گردد (۴۴) میلیارد دلار راتخصیص داد، اما قسمت اعظم کمکها حیف و میل شد.

بنا بر مطالعات دانشگاه آمریکایی Brown هزینه های جنگی آمریکا در افغانستان بیش از ۹۷۸ میلیارد دلار خرچ کرده است. اما قسمت اعظم این پول به دلیل خلافتکاری و سوء استفاده به هدر رفته است.

در اکتوبر (۲۰۲۰) میلادی طبق گزارشیکه به کنگره آمریکا داده شد، نهادی که مسئول نظارت بر بازسازی در افغانستان بود، تخمین زده بود که بین (ماه می سال ۲۰۰۹ و ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ میلادی) حدود ۱۹ میلیارد دلار از بین رفته است. مطلب فوق ثابت کننده سواستفاده و چوروچپاول میباشد.

به مصارف بیجا آقای اشرف غنی، محترم خان آقا رضایی، نماینده کابل در مجلس نمایندگان افغانستان در باره اینکه نهاد های مربوط به ریاست جمهوری افغانستان

قرارداد "۱۷ نوع گوشت" از جمله گوشت بودنه را کرده است و علاوه بر آن "۳۰ میلیون دلار" را برای خرید ترکاری (سبزیجات) اختصاص داده، که مطلب خبرساز شد. که مردم درحالت رقتبار زنده گی مینمایند ، درشفاخانه ها مواد خوراکی و ادویه به مشکل پیدا میشد اما جناب رییس جمهور از حقوق مردم سواستفاده میکند.

این مطلب درنشست عمومی مجلس نمایندگان واکنش گسترده کاربران شبکه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌ها را به همراه داشته است. یکی از کاربران با هم‌رسانی غذای یکی از شفاخانه‌ها در کابل، ارگ ریاست جمهوری را مخاطب قرارداده که "از ۳۰ میلیون دلار کم کنید به غذای شفاخانه‌ها توجه کنید."

خود محوری اشرف غنی در تصمیم‌گیریهای نظامیان عامل اصلی ناتوانی نیروها در میدان جنگ بود (چون غنی در ظاهر علیه طالبان اما در اصل در جهت کمک و تقویه طالبان عمل میکرد) درحالیکه از دیدگاه نظامی، سربازان افغان از یک مزیت استراتژیک مشخص بهره مند بودند. آنان نیروی انسانی بیشتر و سلاح‌های بهتری داشتند که توسط مربیان آمریکایی و ناتو آموزش دیده و حمایت میشدند. اما بیتفاوتی و اقدام نه نمودن به موقع سبب افزایش تلفات نیروها امنیتی حتی در هفته به (۳۰۰) نفر رسید که برای ارتشی جوان تکان دهنده و غیرقابل تحمل میباشد. سربریدن (۳۰) سرباز در بدخشان، (۳۰) پولیس محلی در ولایت وردک بهمین شکل در تمام ولایات و ولسوالیهای کشور توسط طالبان و ارقام نشر شده سازمان ملل متحد در زمینه (بیش از ده روز میشود که سربازان در محاصره طالبان در مناطق مختلف پلخمري، بغلان و کندز قرار دارند) اما بنا بر اقدام نه نمودن به موقع و فلج بودن رهبری وزارت دفاع سربازان تلف و طالبان قویتر شدند.

طبق معلومات اداره امنیت ملی افغانستان پس از سقوط ولایت قندوز گفت: تمام اطلاعاتش را در مورد اهداف و بزرگی عملیات طالبان، در اختیار مقام ریاست جمهوری قرارداد و درخواست کرده تا اقدامات پیشگیرانه‌ای صورت گیرد، اما ملاحظات سیاسی غیرقابل توضیح و توجیه و تاخیر از سوی دفتر ریاست جمهوری فرصت اجرای این عملیات را در اختیار طالبان قرارداد. لذا خود محوری غنی به تمرکز تصمیم‌گیریها در دفتر خودش، به معنای واقعی کلمه، فرماندهان و سربازان را در میدان جنگ ناتوان کرد و در مقابل طالبان قویتر شدند. پس از هر حمله بزرگی از سوی طالبان، مقامات امنیتی در افغانستان ادعا میکردند که آنها میدانستند چه اتفاقی رخ خواهد داد و اطلاعات را نیز در اختیار دولت گذاشته بودند. این ادعا زمانیکه طالبان توانستند (۳۵۰) زندانی را از زندان مرکزی ولایت غزنی آزاد کنند نیز تکرار شد.

لذا مطالب فوق الذکر ثابت کننده ادعای فوق میباشد که زد و بندها اختلافات حکومت به اصطلاح وحدت ملی و حامیان پشت پرده، عامل قتل و کشتار هموطنانما، تباهی ویرانی کشور گردید.

دولتمردان وزورمندان چنان شرایط رابركشورمستولى نمودند كه درتاريخ كشورما چنين
شرائط وحشت ودهشت ثبت نگردیده، طورنمونه شمه آن را ذیلاً یاآور میگردیم :
. رئیس شورای ملی از معامله گری اعضای پارلمان با حكومت بخصوص در دادن رای اعتماد
به وزرا ، شكایت داشت. علاوهآ مدت قانونی كارشورای ملی ختم شده وخلاف قانون
بوظایف خویش ادامه میدادند.

.وزرا از مداخله ونصب كادرها در ادارات توسط وكلاى شورای شكایت داشتند.

. لوی خارنوال از مداخله وكلاى شورای ملی در بررسی وتعقیب دوسیه ها شكایت میكدند .
. طبق مصاحبه مطبوعاتی میرعلی اصغر نماینده ریاست جمهوری افغانستان (ساعت ۹:۳۰
بجه تاریخ ۳ جون ۲۰۱۶ میلادی) با تلویزیون آریانا نیوز(اضافه ازیکهزاروپنجدد دوسیه
فساد اداری از لوی خارنوالی مفقود شده)

. جنرال دولتری قوماندان زون(پنج) در هلمند ضمن مصاحبه گفت كه (به اثر مداخله عضو
شورای ولایتی به سه نفر بیسواد، رتبه های جعلی دادند ودریپستهای مختلف قطعات مقرر
گردیدند، آنان دارای سوابق جرمی دزدی، قاچاق مواد بوده وفعالاً هم سهم فعال دارند.

. حیات الله حیات والی هلمند بتاریخ (۱۶ جولای ۲۰۱۶ میلادی) به بی بی سی گفت كه
بر اساس

بررسیهایی كه در این ولایت توسط شورای نظامی ولایت در ولسوالی نادعلی، مارجه ومركز
ولایت هلمند، انجام شده سربازان خیالی ویا ماموریه واحدهای دیگر، مشکلاتی در تامین
امنیت

ایجاد میکنند، حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ سرباز در محل وظیفه خود حضور ندارند.

. آقای محمد اکرام افضلی رئیس سازمان جهانی دیده بان حقوق بشر برای افغانستان با
صراحت وشفافیت مبارزه حكومت افغانستان برای محو فساد را یک كمیدی خنده
آورتوصیف نمودند كه در شماری از نهادهای امنیتی حتی پنجاه درصد نیروهای امنیتی خیالی
هستند وگفتند: گزارشهای كه ما در دست داریم نشان میدهند كه در بعضی واحدهای امنیتی
افغانستان حتی تا پنجاه درصد عساکر وپولیس خیالی وجود دارند وتعینات وتقرریها به اساس
روابط صورت میگیرد وگفتند كه بیش از نیم نیروهای امنیتی افغانستان وجود فیزیکی
ندارند وپولهای كه به نام نیروهای امنیتی گرفته میشوند در جیب اشخاص ودلالان مافیای
حاکم میریزند.

. تعداد قابل ملاحظه مشاوران هر دو تیم كه معتقد شدند كه دو رهبر حكومت چنان اختلافات
و فضای مكدردر جامعه مستوی نموده اند كه آینده كشور در خطر است.

طورمثال :. مشاوران ارشد دوتیم از حضور در جلسات هفتگی کابینه که اختلاف عملکرد دولت در آن معلوم میشوند خود داری میکردند.

احمدضیا مسعود نماینده خاص اشرف غنی در امور حکومتداری خوب در این باره اظهار داشت: مسایل که آن‌ها در جلسات کابینه به بحث میگیرند جزئی بود و مشکلات اساسی که دامنگیر کشور مردم بود کمتر مطرح میگردید. دلیلی که من تمایلی شرکت در جلسات نداشتم آنان در مورد آموزش و اقتصاد صحبت نمیکنند و سطح خصوصیتها در حکومت خیلی بالاست.

سید حسین انوری مشاور نظامی غنی و رئیس حزب حرکت اسلامی افغانستان با انتقاد از حکومت گفت: اگر از وعده‌های انتخاباتی سخن بگوییم من اطمینان دارم که هر دو رهبر این حقیقت را میدانند که هیچکدام از وعده‌های خود را عملی نکرده‌اند و تأکید کرد که هیچ دست آوردی در زمینه‌های امنیت، اقتصاد، صلح، مبارزه با فساد و بهبود ثبات سیاسی وجود ندارد.

- تولید، کشت و قاچاق مواد مخدره ارتباط با زورمندان و بعضی کارمندان ارشد دولت در مرکز و ولایات داشت.

- فساد اداری در تاروپود دولت دویده بود، طبق گفتار سید اکرام افضلی که در کنفرانس مورخ (۲۹) آگست گفت که حکومت وحدت ملی با عاملان فساد اداری برخورد سیاسی دارد. به پرونده کابل بانک اشاره کرده گفت، کسانی که عامل اصلی سقوط کابل بانک بودند، آزادانه گشت و گذار دارند. از جمله رییس پیشین هیات عامل کابل بانک، در قضیه کابل بانک طبق حکم محکمه به جرم پولشویی و اختلاس به ده سال حبس محکوم شد. اما طبق هدایت مشاور رئیس جمهوری از محبس خارج، تا قرارداد پروژۀ بزرگ ساختمانی را امضاء نماید، از چپا و لگران دیگر دارائی کابل بانک برادر کرسی بود که طبق هدایت مقام ریاست جمهوری آزاد میباشد.

. جنرال عبدالرشید دوستم که یک کارگر عادی بود سپس من حیث سرباز ملشیا در تولى های قومی خدمت میکرد و بمرور زمان در راس قطعات قومی قراگرفت، بعدا معاون اول رئیس جمهوری افغانستان شد. فعلا از جمله سرمایه‌داران که دارای چند قصر در کابل، مزار شریف و جوزجان میباشد با انتقاد از خود محوری رئیس جمهور به نسبت عدم انتصابش طبق حکم ماده شصت قانون اساسی بعنوان سرپرست ریاست جمهوری انتقاد نمود و واکنش نشان داده است.

جناب کرسی را پدر طالبان باید گفت، هرگاه دوره ریاست جمهوری و نقش او را در حکومت وحدت ملی مورد مطالعه قرار دهیم، موصوف با سیاستهای مخلوط و مرکب خویش، طالبان را که در مرحله زوال قرارداد داشت، در تقویه آنان نقش عمده بازی نمود و من حیث یک نیروی در

سطح کشور و منطقه دوباره وارد میدان قتل و کشتار و بد نامی اسلام گردانید. در حالیکه هر دو گروه، طالبان و داعشیان جنایتکاران و تروریستان بودند و میباشند.

جناب کرزی جهت تحقق پروژه خویش آقای معصوم استانکزی که در پاکستان بود و با طالبان ارتباط داشت بکابل آورد. استانکزی در تحقق اهداف جناب کرزی سهم فعال گرفت. ابتدا موصوف را کاندید وزارت دفاع نمود تا قوای مسلح کشور تحت فرمانش باشد، نمود اما انتخاب نگردید بعداً در پست رهبری اورگان امنیت ملی کشور که مانند سیستم اعصاب دولت میباشد، مقررش نمود و توسط موصوف در جهت از بین بردن مخالفین و سایر اهدافش کار گرفت. طبق مصاحبه عطا محمد نور سابق والی بلخ که با حفیظ آصفی ژورنالیست رادیو آشنا صدای امریکا بتاريخ (۲۷ سنبله ۱۳۹۱ هجری شمسی) انجام داد گفت که مسئول قتل برهان الدین ربانی رئیس پیشین شورای عالی صلح معصوم استانکزی میباشد، او را مجرم دانسته و خواهان تحقیقات وی گردید.

آقای استانکزی در تحقق پروژه شوم (کرزی . غنی) سهم خیلی فعال در جهت منافع پاکستان و سایر متحدینش داشت.

طالبان بکمک و رهنمای ستون پنجم داخل نظام حملات گسترده تروریستی را علیه مردم ملکی و نیروهای امنیتی کشور بر راه انداخته و میاندازند. اما دولت با همه اعمال جنایتکارانه طالبان، به عوض سرکوب نمودن، از عقب جبهه توسط کادرهای ورزیده مانند حامد کرزی (در حالیکه رئیس جمهور بازنشسته بوده، موقف رسمی و صلاحیت قانونی نداشت بخاطر کمک به طالبان سفر به روسیه نمود و ملاقات با رئیس جمهور روسیه نموده، تقاضای کمک نظامی به طالبان و سرکوبی داعشیان را در افغانستان نمود).

علاوفاً مصالحه با حزب اسلامی گلبدین چه تحول امنیتی یا تغییر سیاسی را به ارمغان خواهد داشت؟ هرگاه واقعاً گلبدین و متباقی اعضای گروهش بخاطر آوردن صلح و آرامی مردم به عذاب کشیده با قلب و وجدان پاک، بدون داشتن عقده های قبلی (با تنظیم جمعیت، شورای نظار، جنبش شمال و سایر گروهها) جهت آرامی مردم و استقلال کشور به داعیه صلح می پیوست، قابل تقدیر و ستایش بود. اما توقعات گلبدین، گروهش و تعهدات حکومت نشان میدهد: (دولت افغانستان در برابر دست کشیدن حزب اسلامی از جنگ، متعهد شده که امتیازاتی به این حزب بدهد، از جمله: حذف نام رهبر و اعضای این حزب از فهرست سیاه کشورها و سازمان های بین المللی، لغو تحریم های بین المللی علیه این حزب و اعطای مصونیت قضایی بابت اقدامات سیاسی و نظامی به حکمتیار و هوادارانش به جز مواردیکه مشمول ادعا های فردی میشود.) در حالیکه گلبدین و یکتعداد پیروانش، بر علاوه افکار تنگ نظرانه قوم و ملیتگرایی با عقاید تندروانه دینی و مذهبی مزین میباشند، جنایات و کشتار

سالهای (۱۹۹۲ الی ۱۹۹۶) میلادی و ادامه آن تاحال درمرکز و ولایات جریان دارد. اما دولتمردان بدون توجه به عملکردهای فعلی آنان، تحت نام صلح به اشکال مختلف، زمینه تحقق پروژه خویش را مساعد ساخته. هرگاه گلبدین بادرک ازوضع فلاکت بارکشور، احساس دینی و مذهبی به جنگ، خشونت و خصومت نقطه پایانی میگذاشت و براساس ماده ۱۸ توافقنامه، هر نوع فعالیت نظامی خود را متوقف و تشکیلات نظامی اش را منحل و روابط خود با گروه‌های تروریستی و مسلح را قطع میکرد و دستیابی به صلح پایدار به عنوان هدف اصلی **توافقنامه صلح** با حزب اسلامی اعلام شده میتواند. اما چنین نیست چراکه آن قدرت و نیروی جنگی سالهای قبلی را نداشت. چنانچه آقای حبیبی که به عنوان مشاور امنیتی ناتو در کابل کار کرده گفت که بدنه اصلی نیروهای مسلح حزب اسلامی در سالهای (۱۳۷۳ الی ۱۳۷۵) هجری شمسی به گروه طالبان پیوست و یک تعداد دیگر از آنان در چهارده سال اخیر با به دولت پیوستند. فعلاً آن تعدادیکه با حکمتیاری باقی مانده است، نیروی قابل توجهی در میدان جنگ بحساب نمی‌آیند و تغییرچندانی در وضعیت جنگ نخواهد آورد. پس هدف اصلی تحقق (پروژه کرسی. غنی) میباشد که رقابت اصلی حزب اسلامی با بعضی احزاب دیگر جنبه ایدئولوژیک ندارد، بلکه مزین با افکار قومپرستی و ناسیونالیستی میباشد، نیروی اصلی حزب اسلامی را اکثر آپشتونها تشکیل میدهند.

آقای محمد جواد سلطانی استاد جامعه شناسی معتقد است که با آمدن حکمتیار به کابل، تنشهای ایدئولوژیک و اختلافات قومی و زبانی افزایش خواهد یافت. این حزب دوسال پیش به گروه‌های قومی غیرپشتون به ویژه هزاره‌ها هشدار داده بود.

وحید مزده تحلیلگر سیاسی این رقابت‌ها را در سه عرصه قابل تحلیل میداند: ایدئولوژیک سازمانی و قومی. از نظر آقای مزده میدان چهارمی راهم نباید نادیده گرفت.

لذا هدف حکومت واقعاً ایجاد صلح نمیباشد، بلکه باسواستفاده از نام صلح، دامزدن به اختلافات قومی و مذهبی، ایجاد فضای آوردن متباقی تندروان اسلامی و سایر اهداف شوم که منافع پاکستان و سایرکشورهای ذیدخل در افغانستان است.

به ارتباط عملکردهای پروژه (کرسی. غنی) مثالهای زیاد وجود دارد، هرگاه به حوادث و قضایای روزکشوردقیق شویم روزانه و یا هفته وار با آن اعمال خلاف قانون و خلاف منافع مردم وکشوربرمیخوریم. معلوم میشود که دکتور صاحبان غنی و عبدالله آرزوی تحقق حاکمیت قانون در جامعه نداشتند.

از مطالعه قانون اساسی برمیآید که: در مقدمه ضمن ۹ فقره آرزوها از حاکمیت قانون درکشور و نظارت بر آن که برای ایجاد واستحکام نظام حتمی میباشد یاد آورنگردیدند.

- در فصل اول قانون (ماده ۱ الی ۱۹) که شکل و وظایف دولت را توضیح نموده، از حاکمیت و نظارت بر قانون یاد آور نشده، صرف در ماده پنجم تطبیق این قانون اساسی و سایر قوانین را از جمله وظایف اصلی دولت دانسته.

- در ماده (۶۳) قانون اساسی ضمن ادای سوگند رئیس جمهور (... قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم...) و در فقره اول ماده (۶۳) قانون مراقبت از اجرای قانون اساسی آمده.

در بخش حکومت (مواد ۷۱ الی ۸۰) قانون اساسی ضمن توضیح وظایف حکومت در فقره اول ماده (۷۵) تعمیم احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله های قطعی محاکم درج گردیده.

- فصل پنجم که شورای ملی را بحیث عالیترین ارگان تقنینی کشور از مواد (۸۱ الی ۱۰۹) دانسته درباره حاکمیت قانون، رعایت و نظارت قوانین بحث نشده و کدام ارگان را در زمینه آن مکلف نکرده.

اما در قوانین اساسی دوره های گذشته بصراحت و یا بصورت ضمنی از رعایت، نظارت و تطبیق قانون یاد آوری شده و یا به ارگان مشخص وظیفه سپرده:

ایجاد مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری در افغانستان بعد از دو سال بحث و تبادل نظر بین مقامات ارشد حکومت وحدت ملی ایجاد گردید، و رئیس جمهوری هدف این مرکز را رسیده گی به اتهامات و جرایم سنگین، اعتماد سازی و محکمه افراد فاسد دانست، و گفت که فساد به شکل گسترده ای در تمامی نهاد های دولتی وجود دارد و خشکاندن آن به زمان زیادی نیاز دارد و علاوه نمود که ایجاد ادارات موازی در کشور، خود باعث ایجاد فساد در کشور شده است.

هرگاه ارگان خارنوالی بصورت دقیق بدون مداخله دولتمردان و وظایف محوله خویش را انجام میداد، اضافه از (۱۵۰۰) دوسیه فساد بررسی میگردد و از ارگان خارنوالی مفقود نمیگردید.

هرگاه لوی خارنوال با قاطیعت کار مینمود و به مداخله یکتعداد وکلای شورا و زورمندان وقع نمیگذاشت، از یکطرف مکلفیت اخلاقی، ایمانی و وجدانی و وظیفوی خویش را انجام میداد و از جانب دیگر جلوتلف شدن حقوق مردم و تاراج داراییهای عامه را میگردفت. شخص رئیس جمهور بخاطر ترساندن مخالفین چنین ادارات موازی را ایجاد نمیکرد.

لذا اساس فساد در داخل نظام بود که توسط رهبران سازماندهی میگردد. همچنان نسبت خود محوری رئیس جمهور و عدم تفویض صلاحیت لازم به داکتر عبداللہ رئیس اجرایی

حکومت وحدت ملی اجازه مداخله سیاسی در فعالیت این مرکز داده نشد. از متن صحبت شان برمیآید که عقب این اقدام آقای غنی مطلب دیگر نهفته بود، در حالیکه جناب عبدالله میتوانست بالای تطبیق قانون پافشاری کند.

مطلب دیگر اینکه اختلافات داخل نظام و بانیان شان (قوماندانان جهادی و زورمندان) که در ایجاد حکومت نقش بارز داشتند، به اوج خود رسید و سرخط اخبار و مقالات روزنامه ها گردید رئیس جمهور اعلان کرد که بررسی پرونده فساد مقامات ارشد افغانستان هفته آینده آغاز میشود و صلاحیت داده شد تا والیان، وزیران و مقامات ارشد دولتی را مورد بازجویی قرار دهند. این یک نوع اخطار بود به قوماندانان جهادی و زورمندان که اکثر آنان دوسیه چوروچپاول، اختلاس و دهها جرم دیگر داشتند. اما از آن هدایت سال ها سپری شد کدام اقدام عملی و قابل ملاحظه به نظر نخورد.

طبق آخرین گزارش سازمان شفافیت بین المللی، افغانستان از نظر فساد مقام سوم را در جهان داشت. (برای دکتور صاحبان غنی و عبدالله بدست آوردن چنین سند جای افتخار است ؟)

رئیس جمهوری افغانستان بتاريخ (۱۶ ثور ۱۳۹۵) هجری شمسی در کنفرانس اتحادیه اروپا که تحت عنوان "مسیر فرا روی مبارزه با فساد در افغانستان" دایر گردید جهت اغوا نمودن کشورهای کمک کنند گفت به فرهنگ معافیت از قانون در افغانستان باید نقطه پایان گذاشته شود. اما در جهت تحقق اهداف خویش طبق صحبت اخیر استادش (گرزی) زمینه سواستفاده یاران خود را که چپاولگران بود مهیا ساخته بود و طبق افکار استاد خود که : (که این پولهای سواستفاده در داخل کشور به مصرف میرسند) مصروف تباهی بود.

چنین وضع رقتبار در کشور سبب گردید که مردم از کشور فرار نمایند و تعداد پناهنده گان به کشورهای دیگر بیشتر گردید چنانچه سازمان بین المللی مربوطه اعلام کرد شمار آوارگان افغانستان که بدلیل ادامه درگیرها بیشتر از یک میلیون و دو صد هزار نفر در نقاط مختلف جهان آواره شده اند و شمار افغانان که در داخل افغانستان بر اثر خشونتها مجبور به فرار از خانه شان شده و در کشورشان باقی مانده، اکنون با گرسنگی دست و پنجه نرم میکنند نسبت به سال (۲۰۱۳) میلادی سه برابر افزایش یافته است.

تحقق سیاستهای اشرف غنی شدت جنگ و تلفات هموطنان ما قوس سعودی را پیمود چنانچه طبق گزارش تازه دفتر سازمان ملل متحد در (یوناما) تعداد غیر نظامیانی که در سال (۲۰۱۶) میلادی کشته یا زخمی شده اند نظریه سال (۲۰۰۹) میلادی بی سابقه بوده است.

طورمثال براساس این گزارش، تعداد غیرنظامیانی که درسال گذشته میلادی کشته یا زخمی شده‌اند به حدود (۱۱۵۰۰) نفر رسیده است .

مطابق کنوانسیونهای ژینو: « جنایات جنگی شامل تمام موارد نقض حقوق بشردوستانه در منازعات و درگیریهای جنگی میشوند و جنایات ضد بشری اعمال پرقساوت برضد انسان کشتار گروهی و تعرض بر سلامت جسمی و اخلاقی انسانان را احتوا مینماید » .

ماده (۴۸) همین کنوانسیونها و مواد (۷) و (۸) دیوان جزایی بین المللی و معیارهای هفت گانه صلیب سرخ بین المللی موارد چهارگانه را مشخص ساخته که شفاخانه هابه طریق اولی شامل آن میگردد و بی نیازاثبات است . حمله بر شفاخانه محمد داود خان با نقض « قانون و آداب جنگ » افراد بی دفاع، مریض، زخمی و ناتوان را هدف قرار داده است . بهمین شکل حمله انتحاری مسجد امام زمان کابل ۵۶ نفر بقتل رسیدند.

کشته شدن ۳۵ بیمار و داکتر در حمله انتحاری

حمله انتحاری در مسجدی در ولایت غور (۲۴ جنوری ۲۰۱۷ م)

حمله انتحاری در کابل ۱۵ عضو وزارت دفاع افغانستان را کشت (۲۱ اکتوبر ۲۰۱۷ م) . حمله به ساختمان رادیو و تلویزیون دولتی در جلال آباد؛ دست کم ۶ کشته و ۲۰ زخمی . افزایش 'تکان دهنده' تلفات نیروهای امنیتی افغانستان در طول شش هفته پیش از ۸۰۰ سرباز امنیتی افغانستان کشته شده‌اند . اداره بازرسی ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان موسوم به سیگار اعلام کرده که تلفات نیروهای امنیتی افغانستان در سال جاری میلادی به صورت تکان دهنده بالا است .

تلفات نیروهای امنیتی افغانستان طی ۱۰ ماه نخست سال ۲۰۱۶ میلادی مجموعاً (۶۷۸۵) نفر کشته شده بودند . این آمار نشان می‌دهد که روزانه حدود (۲۰) سرباز و پولیس کشته شدند .

علاوتاً نسبت وضع خراب امنیتی یکتعداد کارمندان دولت با طالبان تماس میگرفت و شهرها و ولایات را به طالبان تسلیم میکردند . طورمثال والی میدان وردک در مورد سازش با طالبان ولی شماری از کاربران شبکه‌های اجتماعی از "معاملات سیاسی پنهانی با طالبان" انتقاد کردند .

فهمیم فطرت، یکی از کاربران شبکه‌های اجتماعی، نوشته که معاملات پنهانی قامت نیروهای امنیتی دفاعی افغانستان را خیم کرد و خطر فروپاشی را به همراه دارد ."

آقای غنی جهت تحقق اهداف خویش گفتگوی های اضطراری با زلمی خلیلزاد، نماینده ویژه آمریکا تحت نام صلح افغانستان و نمایندگان ناتو داشت .

همزمان با این تحولات خبرگزاری آسوشیتد پرس به نقل از مقامات افغانستان گزارش کرده بود که هیاتی از طرف طالبان برای گفتگو به ارگ ریاست جمهوری رسیده است .

در عین حال پیشتر رسانه‌ها گزارش کردند که با نزدیک شدن نیروهای طالبان به شهر کابل، سفارت ایالات متحده آمریکا پروسه تخلیه را سرعت بخشیده است.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از دیده شدن هلیکوپترهای به پرواز در آمده از سفارت آمریکا و خودروهای زرهی در حرکت خبر داد. مقامات نظامی آمریکا بدون ذکر نام به خبرگزاری فرانسه گفته‌اند که کارکنان سفارت در حال سوزاندن مدارک حساس و محرمانه هستند و دود آن از سفارت آمریکا در کابل دیده می‌شود.

بادرک از پیاده شدن پروژه فوق طبق گفته یک ژنرال آمریکایی، طالبان حدود نیمی از ولسوالی‌های افغانستان را در کنترل خود دارد. نیروهای طالبان زرنج را در جنوب تصرف کردند، اولین مرکز ولایتی که در یک سال به دست آن‌ها افتاد.

به همین شکل طبق پلان چهار ولایت دیگر در یک روز سقوط کرد، از جمله قندهار دومین شهر بزرگ افغانستان. بالترتیب طالبان شهر مزارشریف، جلال آباد را تصرف کرد.

محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان در پی پیشروی‌های گروه طالبان و تصرف شهرها از سوی این گروه در یک سخنرانی گفت که این کشور به دلیل "جنگ تحمیل شده" با خطر جدی بیثباتی مواجه است.

طبق پلان اشرف غنی، تحت نام هماهنگی جنگ به مزارشریف رفت. در جلسه فرماندهان در شمال تصمیم گرفته شد که یک مرکز فرماندهی واحد در دفتر والی بلخ ایجاد شود، و سپاه ۲۰۹ شاهین در این ولایت "تمام تجهیزات موجود" را در اختیار نیروهای مردمی قرار دهد.

حکومت پیشین قبل از سقوط دو - سه ماه معاش کارمندان دولت را نپرداخته است، پول نقد در بانک مرکزی را پیش از فرار و حین فرار دزدید، نزدیک به (۱۰) میلیارد دالر ذخیره ارز افغانستان را به بهانه نگهداری به بانک‌ها و موسسات امریکا پی انتقال داد که اکنون از جانب حکومت امریکا منجمد است. ۱۳ میلیارد دالر کمک برای چهار سال که در کنفرانس به این ارتباط سخنان آقای خلیلزاد قابل تامل است که گفت:

داستان فرار اشرف غنی از زبان یک تن از همراه هانش:

طبق معمول حوالی ساعت هشت صبح به ارگ ریاست جمهوری بروم. آن روز برخلاف روزهای دیگر وقتی به دفتر کارم رسیدم بخش عمده‌ای از کارمندان ارگ برخلاف روزهای گذشته، یا پیراهن تنبان به تن داشتند.

هر روز طبق معمول ساعت نه صبح یک جلسه برگزار می‌شد که در آن اشرف غنی، حمدالله محب مشاور امنیت ملی، متین بیک رییس دفتر، فضل محمود فضلی رییس اداره امور و شمار دیگر مقامات حکومت پیشین حضور می‌داشتند.

امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری نیز از کابل به پنجشیر رفته بود سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری نیز در یک جلسه مردمی در غرب کابل حضور داشت.

عبدالسلام رحیمی، مشاور ارشد اشرف غنی در امور صلح با نماینده‌گان طالبان و همکاران زلمی خلیل‌زاد در دوحه قطر تماس گرفت و از آنان خواست تا نگذارند نیروهای طالبان وارد کابل شوند. سلام رحیمی بعد از یک گفت‌وگوی چند دقیقه‌ای، برگشت و گفت، طالبان می‌گویند که داخل شهرکابل نمی‌شوند. اما برای افراد وابسته به ارگ ریاست اطلاع رسیده بود که نیروهای طالبان به سمت کابل حرکت کرده‌اند. در واقع توافق میان عبدالسلام رحیمی، طالبان و نماینده‌گان خلیل‌زاد این بود که به دلیل تراکم جمعیت در کابل، حضور دیپلماتیک کشورهای جهان و موجودیت سرمایه‌های مردم، اگر هرج و مرج در کابل اتفاق بیفتد، وضعیت خیلی خراب می‌شود.

همان لحظه متین بیک، رییس دفتر ریاست جمهوری با روحیه قوی و عالی برگشت و در کنار حمدالله محب، مشاور امنیت ملی نشست. متین بیک تلفنش را گرفت و توییت «کابل امن است، مردم نگران نباشند و تشویش نداشته باشند»

در همین لحظات دستور رسید که به سمت چرخ‌بال‌ها برویم. در آنجا که بخشی از نیروهای محافظتی رییس جمهور در مقرر وزارت دفاع مستقر بودند انتظار آمدن رییس جمهور را می‌کشیدند، تصور من این بود که ما به سمت وزارت دفاع پرواز می‌کنیم.

همراه دیگر اشرف غنی به من گفت: «سرور دانش معاون دوم رییس جمهور، عبدالسلام رحیمی مشاور ارشد رییس جمهور در امور صلح و عضو هیات مذاکره‌کننده دولت، متین بیک رییس دفتر و وحید عمر مشاور ارشد رییس جمهور در امور ارتباطات استراتژیک نیز در همان روز در ارگ بودند، اما در جریان برنامه رفتن و فرار قرار نداشتند». به گفته این منبع، سرور دانش یک ساعت قبل از این اقدام، با کاروان موترهایش به سوی میدان هوایی کابل رفت. وحید عمر نیز در آخرین لحظه رسید و برایش گفته شد که قرار است رییس جمهور به وزارت دفاع برود. کاروان موترها حرکت کردند و او هم سوار یکی از موترها شد. عبدالسلام رحیمی و متین بیک بی‌خبر و مصروف صرف نان چاشت بودند. حنیف اتمر در آخرین لحظه به ارگ رسید و پاسپورت رییس جمهور را در جیب داشت، اما چرخ‌بال‌های رییس جمهور پرواز کرده بود. اتمر به رحیمی و بیک گفت که شخص اول رفته است. به همین دلیل، آنان اول به سمت خانه رحیمی و از آنجا به سوی میدان هوایی کابل رفتند.

حرکت به سمت چرخ‌بال‌ها از داخل ارگ روز یکشنبه، بیست و چهارم اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی مصادف با پانزدهم اگست ۲۰۲۱ میلادی با گذشت هر لحظه‌ای آشفته‌تر می‌شد. شماری از کارمندان شورای امنیت وارگ از ساعت‌ها قبل در نزدیکی ساختمان

دفتر مشاوریت امنیت ملی تجمع کرده بودند. بعدها فهمیدم که شماری از اراکین ارشد حکومتی از جمله حمدالله محب، از چند روز قبل برنامه‌ریزی کرده بودند تا برخی از نزدیکان اشرف غنی را به امارات متحده عربی منتقل کنند. آنان به همین منظور با سفارت افغانستان در امارات متحده عربی نیز تماس گرفته و به سفارت از سفر این افراد خبر داده بودند. شمار اعضای این گروه ۱۳ نفر بود که شامل رولا غنی همسر اشرف غنی، حمدالله محب مشاور امنیت ملی و یکی از معاونانش و عده‌ای از نزدیکان رولا غنی بودند. متأسفانه منبع در رابطه

به هویت ۱۰ تن دیگر اطلاعات کافی نداشت، اما گفت که بقیه اعضای این گروه را «نزدیکان و دستیاران نزدیک» رولا غنی تشکیل می‌داد.
برای این ۱۳ تن در پرواز خطوط هوایی چوکی ریزرف شده بود.

پلان اشرف غنی و بانینش تحقق یافت و با فرار اشرف غنی و باندش طبق اهداف دشمنان افغانستان وطن و هموطنان عزیزما به تباهی بیشتر سوق داده شد.